

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ جنوری ۲۰۲۲

عزای عمومی به جای رقص و پایکوبی!

شنبه- ۱۱ جدی ۱۴۰۰ - کابل: امپریالیسم امریکا و شرکاء بعد از تهاجم خونبار و ویرانگر و اشغال ددمنشانه کشور ما، به خاطر تحکیم پایه های قدرت شان، در کنار تطبیق سایر برنامه های شان، هجوم فرهنگی و مسخ فرهنگ دیرینه کشور ما را نیز در دستور قرار داده، تعدادی از شبه روشنفکران بی ریشه و بی ایمان به امر حق آزاد زیستن مردم نیز به مثابه جاده صاف کن راه، در خدمت آنها قرار گرفتند.

این تهاجم فرهنگی که عمدتاً به وسیله خاینان "انجو" باز عملی می شد، شرایطی را به وجود آورد که در اقصا نقاط افغانستان "امریکائی نمائی" و "او کی" گفتن و دندان را بر روی دندان فشردن و "فک" گفتن جای آداب و رسوم روز مره ما را گرفت. تا جائی که من از ولسوالی خود ما شکر دره اطلاع دارم و گزارشاتی که دوستان از سایر نقاط افغانستان نقل می کنند، در همه جای کشور افتتاح کورس های زبان انگلیسی چنان به مد روز تبدیل شده بود، که حتا انسانهایی که به مانند "جن از بسم الله" از تعلیم و تربیت و مکتب فرار می نمودند، نیز تمام وقت شان را در عقب این کورس و یا آن کورس زبان انگلیسی می گذرانیدند، یعنی در حالی که تا آنزمان "بلی" و "نه" را فرا نگرفته بودند، می خواستند با گفتن "یس" و "نو" دیگران را مجاب نمایند که گویا انگلیسی یاد گرفته، و دروازه های بهشت نوکری به امپریالیسم برای شان گشوده شده است.

روشن است که در اینجا هدف از رفتن به کورسهای زبان انگلیسی، به هیچ وجه فرار گرفتن یک زبان به منظور آشنائی با فرهنگ، تاریخ و ویژگی های متکلمین آن زبان نبود بلکه نگرش همگانی در فرا گرفتن زبان، استفاده ابزاری از زبان و آن را وسیله استخدام و در خدمت امریکائی ها قرار دادن فرد بود.

در این میان در کنار برخورد ابزاری به فرا گرفتن زبان، عناصر خود فروخته ای که می خواستند "گوز" شان هم بوی استعماری داشته باشد در حالی که اعیاد اسلامی را در پناه مبارزه علیه "جاهلیت عرب" تکذیب و تقبیح می نمودند، جشن های باستانی در فرهنگ خود را یا اصلاً با آن آشنائی نداشتند و یا هم بی خردانه بر آنها برچسب "ایرانی" زده، گاهی هم ضدیت آنها را با اسلام مطرح می نمودند و به هیچ قیمتی حاضر نبودند تا حرفی در مورد "نوروز، سده و یا چهارشنبه سوری" بشنوند، جشن های مذهبی "کریسمس" و "سال نو مسیحی" را چنان با شور و هیجان جشن می گرفتند و حتا به همدیگر و روابط خانوادگی تحفه تقدیم می داشتند، توگویی از هفت پشت پدر آنها مسیحی بوده اند.

اینها نمی دانستند و اصولاً نمی خواستند بدانند که تعیین یک مقطع و یک مبدأ زمانی جهت تنظیم زندگانی روزمره افراد و بر مبنای آن تدوین برنامه کاری به همان اندازه که ضروری و اجتناب ناپذیر است، به همان اندازه نباید تابع و منبعث از نفوذ و سلطه یک مذهب باشد. اینها نمی خواستند بدانند که "کریسمس" و "سال نو" مسیحی را جشن گرفتن، در حقیقت پذیرش یک بخشی از فرهنگ مسیحیت است که به وسیله تیکه داران دین مسیح بنیان گذاشته شده است و ارزش و اعتبار آن به هیچ وجه نمی تواند با اعتبار جهانشمول "نوروز" به مثابه یک مبدأ زمان قابل مقایسه باشد.

با درسگیری از نگاشته های استاد "موسوی" که همیشه از "تقسیم یگانه به دوگانه" یاد می نمودند و تلاش می ورزیدند تا خوانندگان را متوجه معایب و کاستی "مطلق گرایی" نمایند، در اینجا می خواهم بنویسم، بدون آن که هزاران عیب بس بزرگی که طالب و حاکمیت نظام ملا سالار دارد، نادیده بگیریم اگر با انصاف برخورد نمائیم همین که امسال در کشور ما به هزاران دالر و لکها افغانی از کیسه مردم زیر عنوان تزنین سال نو مسیحی که هیچ جایگاهی جهت تدویر جشن و سرور برای ما ندارد، به شاخی باد نشده است و جلو "روغنی" های داخل ارگ گرفته شده است تا از کمکهای بین المللی به آدرس مردم افغانستان، "خاصه خرجی" ننمایند، می تواند روشنی یک کرم شبتاب باشد در قعر تاریکی و ظلمت.

هموطنان گرامی!

تاجائی که من با مردم در تماس هستم تا حال از کسی نشنیده ام که پیروان دیروز استعمار، اینک جشن سال نو و یا کریسمس را در افغانستان تجلیل نموده باشند و یا در کشوری که "درخت شانی" زمانی بخشی از تاریخ و فرهنگ مذهبی آن را می ساخت، با قطع چند درخت و آزرین بستن آنها، کشور را به بیابان بی درخت میدل بسازند.

هموطنان گرامی!

تذکر این نکته بدان معنا نیست که گویا این قلم سر دفاع از عملکرد طالب را داشته باشم، بلکه بیان این واقعیت مسلم است که بیگانه پرستی به هر شکل و در هر قالبی که وارد شود، عمر طولانی نداشته سرانجام از بین رفتنی است، حال بیگانه پرستی جواسیس تکنوکرات از امریکا باشد و یا هم طالبانیم از ارتجاع هار منطقه و مدرسه حقانی پاکستان، در ماهیت آن تفاوتی وجود ندارد، سرانجام از بین می رود و آنهایی که در بودنش مراسم جشن و سرور برپا می نمودند، ناگزیر به عزاداری خواهند شد. پس بیایید خود ما باشیم و با پای دیگران راه نرویم که پای دیگران به گفته مولانا "چوبین" و "بی تمکین" می باشد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!